

تشیع در دوره ایلخانی

دوره ایلخانی در ایران (۶۵۶-۷۳۶) از زاویه تسلط دولت های متعصب مذهبی، فرصتی برای رشد تشیع ایجاد کرد. پیش از این دوره، تشیع در بخش های میانی ایران به آرامی گسترش یافته و برخی از شهرها را به طور دربست در اختیار گرفته بود.

در دوره ایلخانی، این رشد سرعت یافت و بخش های تازه ای از ایران و عراق تحت تأثیر تبلیغات شیعی امامی به این مذهب گروید. این زمان نه تنها طوس و نیشابور زمینه های تازه ای برای نشر تشیع به دست آوردند بلکه در اصفهان نیز اقلیت فعالی به ترویج تشیع پرداخت. ری، کاشان و قم و آوه و حتی ساوه که سابقه تعصب در تسنن داشت، مرکزی برای فعالیت های شیعه گردید.

شمال ایران از جرجان تا گیلان یکی از پایگاه های سنتی شیعیان امامی و زیدی محسوب می گردید و البته در این دوره تقریباً تشیع امامی غلبه تام و تمامی بر آن نواحی یافت. نگاهی به سفرنامه ابن بطوطه می تواند گستردگی تشیع را در بلاد شرق اسلامی نشان دهد.

خواجه نصیرالدین (م ۶۷۲)، متفکر برجسته امامی، که سالها در بند اسماعیلیان بود و پس از سقوط دولت آنان، به اجبار با هولاکو همراهی کرد، تلاش کرد تا عالمان مهم بغداد، اعم از شیعه و سنی را حفظ کرده و سامان اوقاف را که مهم ترین راه ارتزاق آنان بود، برقرار نگاه دارد. وی بسیاری از این عالمان را در مراغه گرد آورد. خواجه نصیر که اندیشمندی برجسته و متکلمی زبردست بود، افکار نوینی را در عرصه فلسفه و کلام شیعی بنیاد گذاشت و بسیاری از شاگردان وی در عراق و ایران، از افراد فرهیخته و مؤثر بودند.

یک تحول بسیار شگرف در این دوره، شیعه شدن سلطان محمد خدابنده مشهور به الجایتو (۷۰۳-۷۱۶) بود. از زمان غازان خان (۶۹۴-۷۰۳) توجه به سادات و تشیع بیشتر شده بود، اما سلطان محمد خدابنده، که پس از وی بر تخت سلطنت نشست، نخستین سلطان ایلخانی بود که به تشیع امامی گروید و تا پایان عمر قاطعانه از آن دفاع کرد.

سکه هایی که در روزگار وی ضرب شد، نخستین سکه هایی است که در جهان اسلام نام دوازده امام روی آنها ضرب شده است. در این سکه ها جملات «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» آمده و در حاشیه یا روی دیگر آن آمده است: اللهم صل علی محمد و علی و الحسن و الحسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد.

روی سکه دیگری که در سال ۷۱۴ در ارزنجان ضرب شده، همین تعبیر «علی ولی الله» دیده می شود (سلسله سکه النقود: ۶۹/۵۵).

شیعه شدن وی در اصل تحت تأثیر شماری از دولتمردان شیعی دربار مغولی بود. ادیب برجسته ای چون شیخ حسن کاشی - سراینده تاریخ محمدی - تأثیر شگرفی در رویکرد این دولت به تشیع داشت.

الجاتیو پس از گروش به تشیع اقدامات قاطعی در جهت گسترش تشیع صورت داد. از آن جمله ضرب نخستین سکه دوازده امامی بود که در این دوره به انجام رسید.

فصیح خوافی ذیل رخدادهای سال ۷۱۰ نوشته است: در این سال سلطان محمد خدابنده، شیعی شد و نام خلفای ثلاثه از خطبه و سکه بینداخت و بعد از نام حضرت رسالت (ص) نام امیرالمؤمنین علی المرتضی و امیرالمؤمنین حسن و امیرالمؤمنین حسین - رضی الله عنهم - در خطبه گفتند و در سکه نام دوازده امام نقش کردند (مجله فصیحی: ۸۸۶).

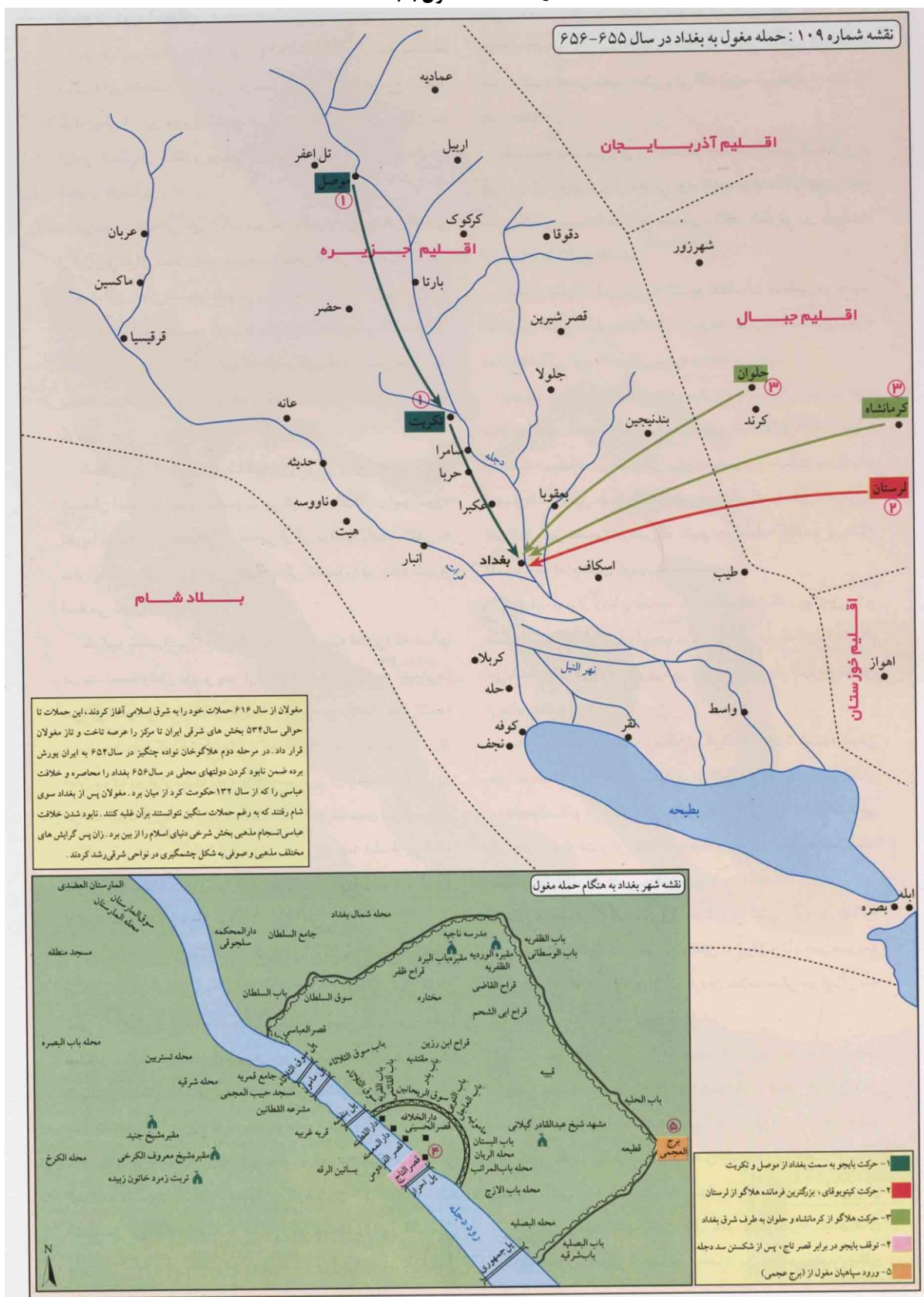
محراب بسیار زیبای مسجد جامع اصفهان که زیباترین بنا و محراب گچبری در ایران است، مزین به نام مبارک دوازده امام می باشد. آثار فراوان دیگری نیز از این دوره در ترویج تشیع برجای مانده است.

سلطان محمد خدابنده رساله ای کوتاه در علت شیعه شدن خود نوشت که در اصل رساله ای در اثبات امامت علی و فرزندان او علیهم السلام می باشد. در برابر تلاش های وی، مخالفت هایی نیز صورت گرفت و از آنجا که بیم شورش می رفت، سلطان، تا حدودی از اقدامات علنی خود در این زمینه کاست.

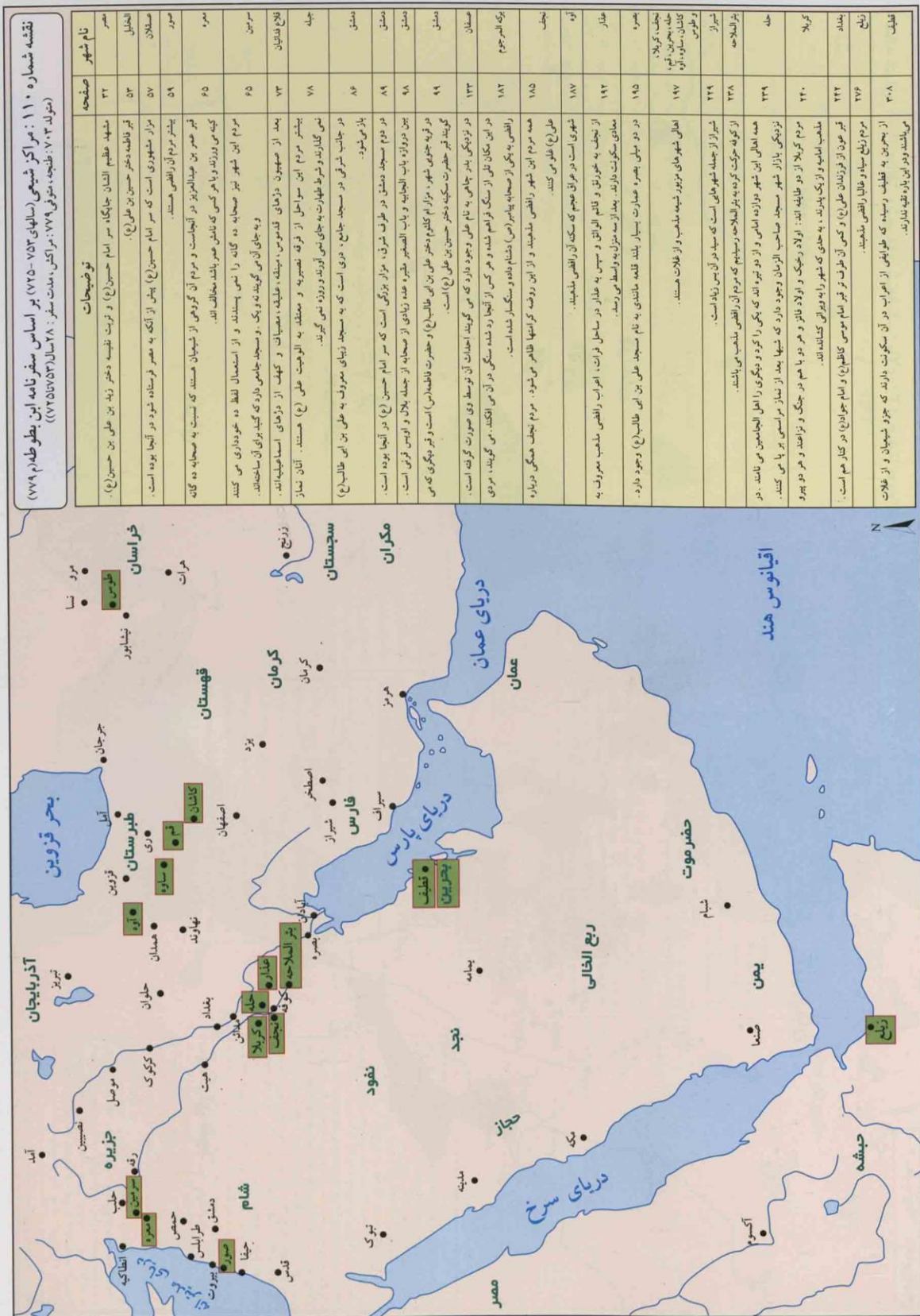
یکی از مهم ترین اقدامات وی در ترویج تشیع، آوردن علامه حلی (م ۷۲۶) و فرزندش فخرالمحققین به ایران و تأسیس مدرسه سیاره است. تعداد زیادی از شاگردان علامه حلی در ایران به ترویج فقه و کلام شیعه همت گماشتند.

نکته مهم آن است که پس از عصر آل بویه، تشیع در عصر ایلخانی پیشرفت بسیار خوبی در شهرهای مختلف ایران و حتی حرمین شریفین داشت. همین زمان، تشیع در بلاد شام که روزگاری نفوذ زیادی در آن نواحی داشت، زیر فشار سخت ممالیک امکان رشد نداشت و نه تنها متوقف بلکه به تدریج از صحنه بیرون رانده شد. با این حال، حلب و برخی از شهرهای دیگر به صورت سنتی وابسته محدود بر مذهب تشیع باقی ماندند.

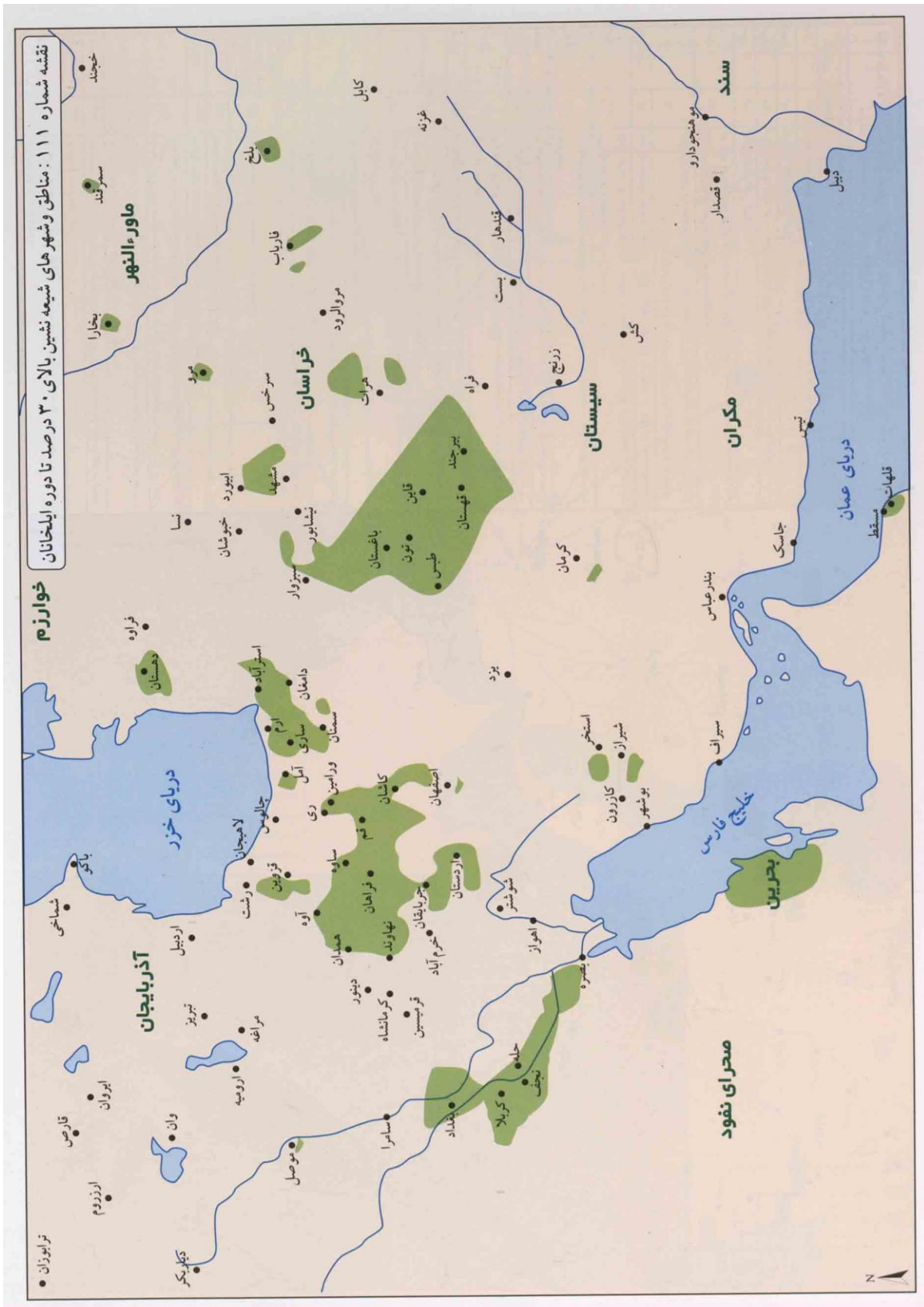
نقشه شماره ۱۰۹: حمله مغول به بغداد

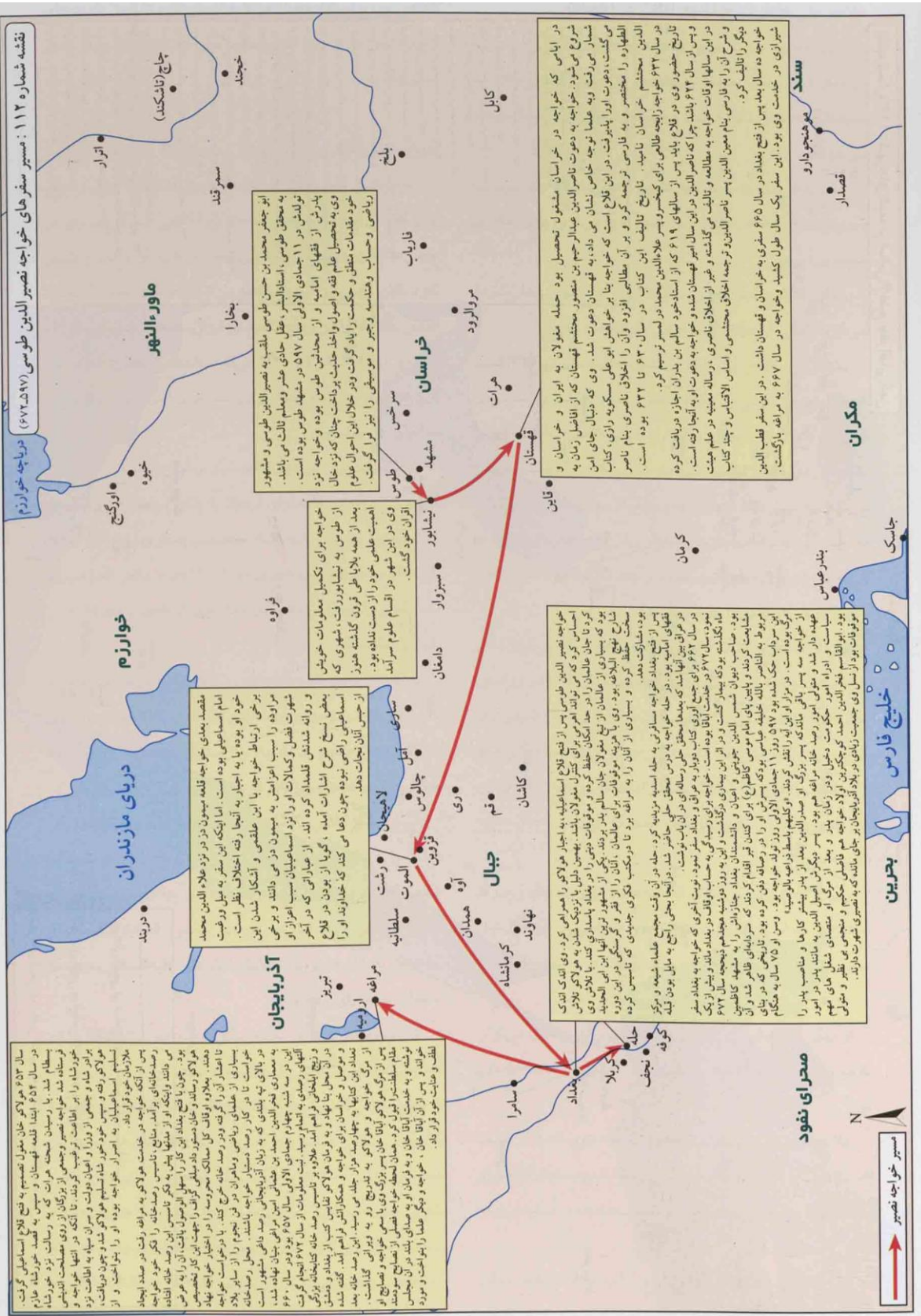


نقشه شماره ۱۰: مراکز شیعی بر اساس سفرنامه ابن بطوطه

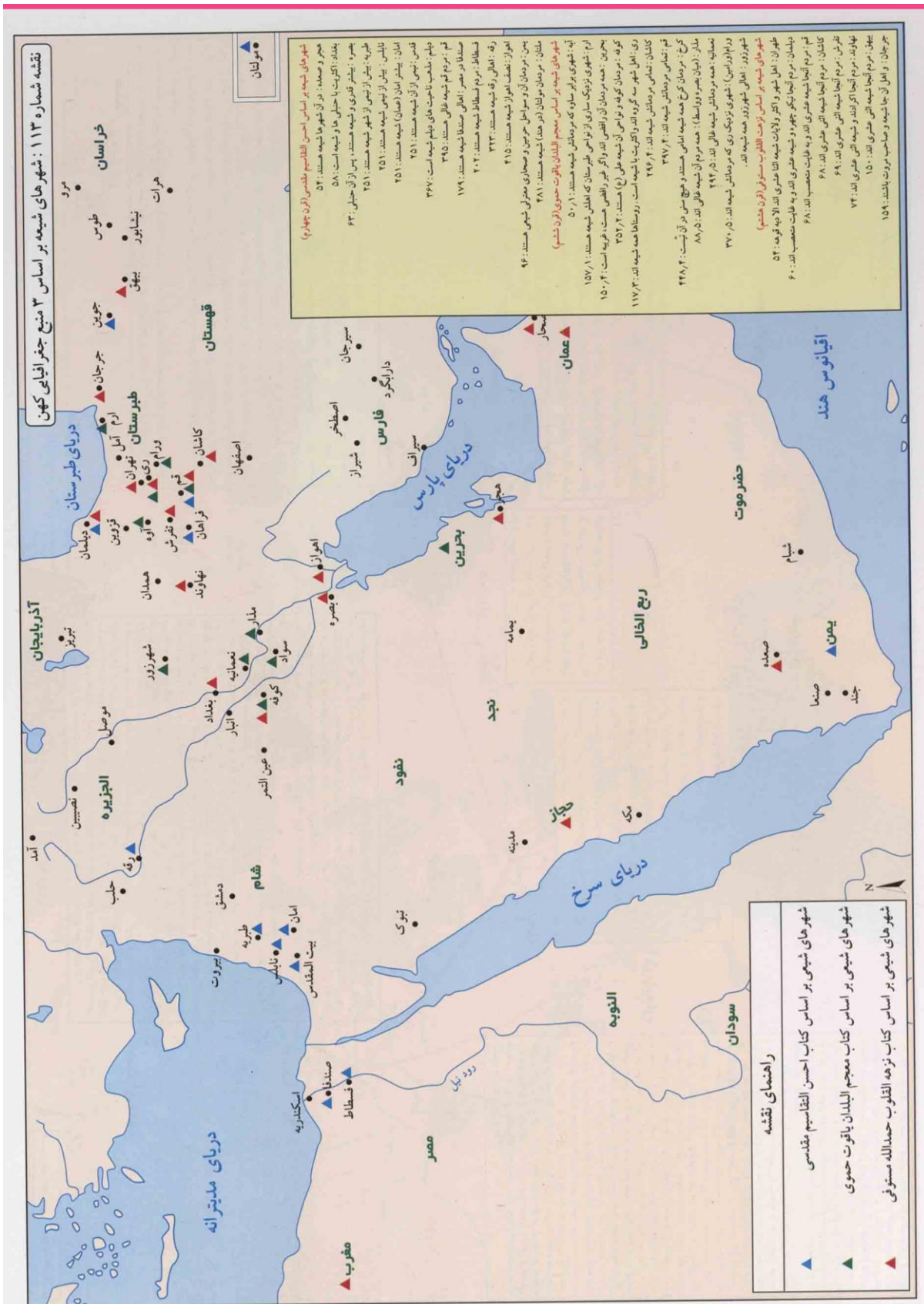


نقشه شماره ۱۱۱: مناطق و شهرهای شیعه نشین بالای سی درصد تا دوره ایلخانان





نقشه شماره ۱۱۳: شهرهای شیعه بر اساس سه منبع جغرافیایی کهن



علامه حلی عامل رواج تشیع امامی در ایلخانان

شهر حله در سمت غربی حاشیه رود فرات، شهری است که در سال ۴۹۵ توسط صدقه بن منصور بن دبیس اسدی ملقب به سیف الدوله بنیان نهاده شد. به همین دلیل آن را حله سیفیه می خوانند.

سلسله مزیدی که سخت به تشیع امامی علاقه مند بود، با حمایتی که از عالمان داشت، این شهر را به مرکزی برای علمای شیعه درآورد.

زمانی که ابن بطوطه در سال ۷۲۷ از آن شهر دیدار کرده می گوید، اهالی آن همه شیعه امامی هستند.

یکی از این عالمان برجسته این شهر، علامه حلی (م ۷۲۶) است که نقش بسیار مهمی در تشیع سلطان محمد خدابنده داشت. وی مدتی به دعوت این سلطان به ایران، به ویژه شهر سلطانیه آمد و کتابهایی به دفاع از مذهب شیعه نوشت. علامه به سبب تدریس در مدرسه سیاره که الجایتو به پیشنهاد رشیدالدین فضل الله تأسیس کرد همراه سلطان در بسیاری از شهرهای ایران سفر کرد و در شماری از این شهرها به تربیت شاگرد پرداخت. اقامت وی در برخی از شهرها طولانی تر بود.

یکی از آثار وی کتاب الالفین در امامت است که آن را در سال ۷۱۲ در جرجان تمام کرد. علامه در سال ۷۱۳ در ورامیناجازه ای به قطب الدین رازی فیلسوف و عالم برجسته شیعی داد. در میان شهرهایی که علامه حلی به آن وارد شد، یکی نیز شهر قم است و این به استناد حدیثی است که در عوالی اللئالی ابن ابی جمهور آمده و راوی نقل گفته است که آن را در قم، از علامه شنیده است.

زمانی که الجایتو در سال ۷۰۹ به قصد زیارت نجف و مرقد سلمان از بغداد حرکت کرد، علامه او را همراهی می کرد. در این سفر رشیدالدین فضل الله نیز حضور داشت و به درخواست علامه حلی رساله ای درباره فلسفه زیارت نوشت.

از دیگر شهرهایی که علامه در آنها رفت و آمد داشت می توان به دینور، مراغه، سلطانیه، ورامین، قم، و عتبات مقدسه اشاره کرد.

علامه حلی چندین کتاب خود از جمله نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرامه و کشف الیقین را به نام سلطان الجایتو تألیف کرد. وی مهم ترین عامل در تشیع خدابنده و هدایت وی به مکتب اهل بیت بود.

طی دو قرن بعد از علامه حلی و تا پیش از تشکیل دولت صفوی در ایران، آثار علامه در بسیاری از شهرهای ایران کتابت شده و مورد استفاده قرار می گرفت. یکی از مهم ترین شهرهای شیعه نشین که از آثار علمی علامه حلی بهره فراوان برد، شهر استرآباد بود.

شیخ حسن کاشی شیخ حسن کاشی، متولد آمل مازندران است اما اصل و نسب او از کاشان بوده و به همین سبب او را کاشی می گویند. وی در عصر سلطان محمد خدابنده می زیست و با زبان و ادب و شعر خود نقش مهمی در ترویج تشیع در ایران داشت. میرزا عبدالله افندی نقش او را در رواج تشیع در ایران، همپایه علامه حلی (م ۷۲۶) و محقق کرکی (م ۹۴۰) می داند. نام شیخ حسن کاشی در قرن هشتم تا یازدهم هجری در سراسر ایران بر سر زبان مداحان اهل بیت بود. شخصیت وی در دوره الجایتو و ابوسعید به اندازه ای مشهور بود که در فاصله ای نزدیک به بنای سلطانیه، مرقد او با زیبایی تمام بنا شد. بعدها شاه طهماسب صفوی آن بنا را تجدید کرد. قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) در مجالس المؤمنین و احمد امین رازی (قرن دهم) در هفت اقلیم از شهرت وی تا زمان خود یاد کرده اند.

به نظر می رسد نام وی در دوره قاجاریه به فراموشی سپرده شد تا این که در جمهوری اسلامی (در سال ۱۳۷۲ ش) مزار وی در کنار بنای عظیم سلطانیه، بازسازی شده و امروزه گنبد مینائی آن درخشش ویژه ای در کنار گنبد سلطانیه دارد.

شیخ حسن کاشی با سلطان محمد خدابنده رابطه نزدیکی داشت و به نظر می رسد با حمایت وی توانسته باشد در تبلیغات شیعی اقدامات مؤثری انجام داده باشد. به نوشته برخی از منابع، وی در مشهد امام علی (ع) در حضور الجایتو (گویا برای نخستین بار) اشعاری در ستایش امام علی علیه السلام سرود که سلطان صله فراوان به او داد.

از وی دیوانی برجای مانده است که سراسر آن اشعاری در ستایش امامان اثناعشر علیهم السلام است.

شیخ حسن کاشی برای نخستین بار کتاب منظومی درباره تاریخ زندگانی امامان (ع) سرود و در واقع تألیف کرد. این نخستین کتابی است که در آن زندگی امامان به صورت منظوم تدوین شده است. این کتاب با نام تاریخ محمدی به چاپ رسیده است. اشعار وی تأثیر قابل توجهی در شاعران شیعه بعد از او مانند حسام خوسفی (م ۸۷۵) سلیمی (۸۴۸) و محتشم کاشانی (م ۹۹۶) داشت.

